

## درس هفتم: جمال و کمال

**حکمت:** علم و دانش (در قرآن از هزارگونه پند و حکمت است).

**مَثَل:** مثال، صفت، حکایت

**حیات:** زندگی

**دل:** مجاز از روح و روان

(مثل قرآن مثل آب است روان؛ در آب حیات تن‌ها بود و در قرآن حیات دل‌ها بود.)

**عجب:** عجب، شگفت‌آور (این قهقهه عجب‌ترین قهقهه‌هاست)

**فُرقت\*:** جدایی، دوری

**وُصلت\*:** پیوند، پیوستگی.

**محنت\*:** اندوه، ناراحتی (هم فرقت بود و هم وُصلت؛ هم مفتت بود، هم شاری)

**راحت:** آسایش

**آفت:** آسیب، بلا، زیان

**جفا\*:** بی‌وفایی، ستم (هم راحت بود، هم آفت؛ هم وفا بود، هم جفا)

**بدایت:** آغاز، اول

**بند:** زندان

**نهایت:** انتها، آخر

**گاه:** تخت، سریر، مسند (در بدایت بند و پناه بُود و در نهایت تفت و گناه)

**طرب\*:** شادی

**نهاد:** سرشت، باطن، دل

(پس چون در او این چندین اندوه و طرب بود، در نهاد خود شگفت و عجب بود.)

**صدیق\*:** بسیار راستگو

(از بهر آن‌که یوسف صدیق وفادار بود)

**جَبَّار\*:** مسلط، یکی از صفات خداوند تعالی است. (فبردهنده از او ملک جبار بود.)

حُسن: زیبایی، جمال

صورت: چهره، ظاهر

سیرت: رفتار، خلق و خوی، عادت

(قِصهٔ هال یوسف را نیکو نه از هُسن صورت او گفت؛ بلکه از هسن سیرت او گفت)

زشتی: بدی

آشتی: دوستی کردن پس از قهر، صلح کردن پس از جنگ.

لئیمی\*: پستی، فرومایگی

کریمی: جوانمردی، بزرگواری (در مقابله زشتی آشتی کرد و در مقابله لئیمی کریمی کرد.)

عنایت: توجه، میل و محبت

کید\*: حيله و فریب

عداوت\*: دشمنی

(برادران یوسف چون ... یعقوب را برو میل و عنایت دیرنر، آهنگ کید و مکر و عداوت کردند)

تدبیر: چاره‌اندیشی

تقدیر: سرنوشت، مشیت الهی

رحمان: بسیار بخشنده، یکی از نام‌های خداوند

(تدبیر برادران بر خلاف تقدیر رحمان آمد.)

مَلِکِ تعالی\*: خداوند والا مرتبه

دولت: سعادت، بخت، اقبال، ثروت، قدرت

مملکت: شهریاری، پادشاهی

(ملک تعالی او را دولت بر دولت زیادت کرد و مملکت و نبوت، زیادت بر زیادت کرد)

کایدان\*: ج کاید، حيله گران (کید\*: حيله و فریب)

خواست: اراده، میل

(عالمیان بدانند که هرگز کید کایدان با خواست خداوند غیب‌دان برابر نیاید)

مکروا: مکر کردند

ماکِرین: مکرکنندگان (و مکروا و مکر الله والله فی الماکرین.)

مفتاح\*: کلید

فرج: گشایش، رهایی («المُبْرُ مفتاحُ الفرج»)

## درس هفتم: بوی گل و ریحان‌ها

**سودایی:** \* عاشق، شیفته، شیدا [«ی» نسبت] **[سودا]:** \* اندیشه، خیال، هوس

**بی‌خویشتن کردن:** از خود بی‌خود کردن، بی‌اختیار کردن (کنایه)

**ریحان:** \* هر گیاه سبز و خوشبو

(وقتی دل سودایی می‌رفت به بستانها / بی‌فویشتنم کردی بوی گل و ریحان‌ها)

**شکستن عهد:** عمل نکردن به قول و پیمان (کنایه)

**روا:** جایز، شایسته

**نقض:** \* شکستن، شکستن عهد و پیمان **[نغز:** خوب و خوش و دلکش]

(تا عهد تو در بستم، عهد همه بشکستم / بعد از تو روا باشد، نقض همه پیمان‌ها)

**در دامن آویختن:** همراه بودن و رها نکردن (کنایه)

**کوتاه‌نظری:** \* اندک‌بینی، عاقبت‌اندیش نبودن

(تا فار غم عشقت آویفته در دامن / کوتاه‌نظری باشد رفتن به گلستان‌ها)

**شاید:** شایسته است، ممکن است.

**حرم:** پیرامون کعبه و مکان‌های مقدس

**سهل:** آسان (گر در طلبت رنجی ما را بر سر شاید / چون عشق مرم باشد سهل است بیابانها)

**غنا:** \* سرود، نغمه، دستگاه موسیقی، آواز خوانی (غنا: بی‌نیازی، توانگری)

## گروه‌های مهم املائی

- \* پند و حکمت - حیات‌تن‌ها - عجب‌ترین قصه‌ها - فُرقت و وُصلت - مِحت و شادی - راحت و آفت - بدایت و نهایت - اندوه و طَرَب - یوسف صِدِّیق - حُسن سیرت و صورت - لئیمی و فرومایگی - میل و عنایت - مکر و عداوت - تقدیر رحمان - خواست خداوند غیب‌دان -
- \* دل سودایی - گل و ریحان - نعره و فریاد - نقض عهد - خار غم - عشق حرم - سهل و آسان - غنا و نغمه